

مقابله با قانون کار بخشی از سیاست دولت نئولیبرال است

احمد هدایتی

اقتصاد آزاد، اقتصاد بازار، لیبرالیسم و نئولیبرالیسم تماما دارای یک محتوای واحد می باشند. در لیبرالیسم کلیه فعالیت های اقتصادی در بنگاه ها، شرکت ها، موسسات و کارگاه های تولیدی بر اساس رقابت آزاد است، بدین صورت که در جریان فعالیت های اقتصادی، بنگاه های اقتصادی آزاد هستند که هر کالایی را که می خواهند می توانند تولید کنند و در هر جایی در یک کشور (کشور های دیگر) می توانند ببرند و بهر قیمتی که خواستند می توانند بفروشند. هیچ دولتی و هیچ حکومتی حق دخالت بهر شکل در این رقابت ها را ندارند. بعبارت دیگر کمک مستقیم و یا غیر مستقیم دولت ها نه تنها نباید صورت بگیرد بلکه این عمل یک جرم محسوب می شود.

مفهوم فوق از تئوری های بنیادی نظام سرمایه داری است که توسط ایدئولوگ ها و اقتصاد دان هایی مانند آدام اسمیت و ریکاردو فرمول بندی شده است. مسلما در جریان رقابت تقریبا تنازع بقای بعضی از بنگاه ها اقتصادی بزرگ و بعضی از آنها کوچک و حتی نابود و ورشکسته می شوند.

تاریخ نظام سرمایه داری نشان داده که بتدریج تعداد معدودی از بنگاه ها باقی می مانند و بقیه بر اثر رقابت فشرده نابود شده اند، حاصل این عمل ایجاد بنگاه های بزرگ ابتدا بصورت کارتل ها و تراست ها و کنسرن ها و در نهایت در اواخر قرن بیستم بصورت بنگاه های چند ملیتی کنونی.

(۱) - عدم دخالت دولت در اقتصاد یکی از اصول لیبرالیسم مربوط به عدم دخالت دولت در امور اقتصادی است. به عبارت دیگر لازم است بخش خصوصی قدرتمند حاکمیت مطلق داشته باشد.

(۲) - تئوری دخالت مشروط و نسبی دولت در نیمه اول قرن بیستم بحران ها دوره ای سرمایه داری در قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم به ویژه بحران اقتصادی دهه سوم قرن بیستم جهان سرمایه داری مخصوصا بحران اقتصادی ۱۹۲۹ در ایالات متحد آمریکا (بیکاری، تورم، رکود تولید و...)، اقتصاد دانان و سیاستمداران سرمایه داری را به این نتیجه رساند که تسلط بی در و پیکر بخش خصوصی نتیجه اش می تواند همین باشد، بنابراین تئوری اقتصادی کینز که معتقد به دخالت مشروط و نسبی دولت جهت تعدیل بحران های تناوبی بود شکل گرفت.

تئوری اقتصادی کینز دولت را موظف به دخالت در امور اقتصادی و سر و سامان دادن به اقتصاد از جمله بیکاری، گرانی، رکود تولید و... کرد.

(۳) - نئولیبرالیسم در اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم، دوباره این فکر قوت گرفت که لازم است که دوباره به لیبرالیسم قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم بازگشت کرد و در واقع معتقد شدند که لیبرالیسم (بخش خصوصی قدرتمند) می تواند مشکلات اقتصادی جهان از جمله بحران های تناوبی سرمایه داری را سر و سامان بدهد، بهمین جهت این مرحله را بنام « نئولیبرالیسم یا نو لیبرال » نامیدند.

قبل از هر چیز باید گفت نئولیبرالیسم از نظر محتوا همان لیبرالیسم می باشد، مانند لیبرالیسم معتقد به یک بخش خصوصی قدرتمند و عدم دخالت دولت در امور اقتصادی و واگذاری همه چیز «از شیر مرغ تا جان آدمیزاد» در یک کشور به بخش خصوصی و....

بخش خصوصی قدرتمند حاصل نئولیبرالیسم باید همه چیز جامعه- سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، هنری و... را تحت کنترل داشته باشد و در حقیقت اگر دولتی هم وجود دارد باید در خدمت بخش خصوصی باشد، به عبارت دیگر دولت یعنی همان بخش خصوصی، یعنی باید از توده های مردم يك کشور - کارگران، کشاورزان، تولید کنندگان، طبقه متوسط - مالیات بگیرد و آنها را بدون مضایقه در اختیار «بخش خصوصی قدرتمند» بگذارد، زیرا «بخش خصوصی قدرتمند» همان مسیح موعود می باشد. دولت از مردم مالیات بگیرد و آن را در خزانه دولت قرار دهد و سپس با آن جاده بسازد، فرودگاه بسازد، فضا را تسخیر کند، سوبسید به ایرباس و بوئینگ بدهد که بخش خصوصی بتواند تولیدات خود را به سراسر کشور و به سراسر جهان بفرستد و به فروش برساند.

۴- سوبسید(یارانه): یارانه در حقیقت کمک اقتصادی به يك بنگاه اقتصادی است برای نجات از ورشکستگی و یا بالا رفتن پنانسیل رقابت اقتصادی در برابر بنگاه های دیگر. در اصل سوبسید يك مفهوم ضد لیبرالی و ضد رقابت اقتصاد آزاد می باشد، بنابراین لیبرالیسم با پرداخت یارانه بهر شکل به بنگاه های اقتصادی مخالف می باشد.

۵- نئولیبرالیسم در کشور های مختلف جهان: چگونگی پیاده شدن نئولیبرالیسم در کشور های مختلف جهان را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۵-۱- نئولیبرالیسم در کشور های پیشرفته صنعتی: چنانچه گفته شد نئولیبرالیسم بر گشت به لیبرالیسم قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم و عبارتی حاکمیت بخش خصوصی، مشخصات عمده آن در کشور های پیشرفته صنعتی بصورت زیر می باشد:

الف: خصوصی سازی: در دوران کینز، بنگاه هایی دولتی چه بصورت ملی کردن بعضی از موسسات و چه بصورت سرمایه گذاری دولتی شکل گرفت. برنامه نئولیبرالیستی، خصوصی کردن تمام بنگاه های بخش عمومی بطور کامل به ویژه بنگاه های سود ده به عبارت دیگر خصوصی کردن همه چیز از شیر مرغ تا جان آدمیزاد می باشد، این خط مشی همان سیاستی است که هم اکنون در کشور های اروپایی، ژاپن و... در حال اجراست.

ب: بازگشت دادن تمام دستاور های اجتماعی و قانون کار، کارگران در طی ۵۰ تا ۱۰۰ اخیر: نئولیبرالیسم خواستار بازگشت به قرن نوزدهم در مورد تمام دستاوردهای کارگران از قبیل: ساعات کار، دستمزد، قرار داد های کار، بیمه، تامین اجتماعی، بازنشستگی و... می باشد، برای این کار در اولین قدم لازم می آید قانون کار که حاصل سال ها مبارزات طبقه کارگر در کشور های اروپا، امریکا، ژاپن و... است یا کاملاً ملغا شود و یا تبدیل به يك قانون بی بو و بی خاصیت گردد.

در سال ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا در پرتغال برنامه لیبرالی و نئولیبرالی خود را برای تمام کشور های عضو به تصویب رساند، مبارزه برلسکونی در ایتالیا بر علیه قانون کار و تغییر آن و مبارزه شیراک در فرانسه بر علیه قانون کار و تکه و پاره کردن آن در روزهای اخیر همان برنامه نئولیبرالی گردش به راست در اروپا می باشد.

۵-۱- نئولیبرالیسم در کشور ها عقب افتاده(باصطلاح جهان سوم): اصول و پایه نئولیبرالیسم در کشور های عقب افتاده به قرار زیر است:

الف: خصوصی سازی بخش دولتی و بخش تعاونی (از شیر مرغ تا جان آدمیزاد) و تبدیل بخش خصوصی به يك بخش خصوصی قدرتمند و يك کارفرمای بزرگ بدون هیچگونه نظارت ملی و مردمی.

ب: دروازه ها باز گمرکی و بی در و پیکر و تبدیل تعرفه ها به تعرفه های صفر در مورد تمام واردات.

پ: جلوگیری از تصویب قانون کار و یا تغییر قانون کار موجود به نفع بخش خصوصی و یا تبدیل آن به يك قانون بی یال و دم و اشکم، و درحقیقت جلوگیری از دادن امکانات تامین

اجتماعی (بیمه، بازنشستگی و.....)، استخدام قرار داد موقت نیروی کار، مانع ایجاد تشکل و پراکندگی کارگران و...)

ت: نابودی تولیدات صنعتی و کشاورزی داخلی کشور ها و تصرف بازار این کشورها (بااستثنای صنایع استخراج مواد خام و مواد اولیه صنایع کشورهای متروپل و کشورهای صنعتی مانند نفت و گاز و مس و قلع و...)

ث: عدم پرداخت سوبسید توصیه می شود و دستور داده می شود (اول توصیه می شود و سپس دستور داده می شود) که دولت این کشور ها حق پرداخت هیچگونه یارانه - چه به مردم و چه به صنایع- ندارند، زیرا در اقتصاد آزاد رقابت عامل کلیدی می باشد.